

بسمه تعالی

جلسه مشاوره دکتر غفرانی

جلسه دوم - ۹۳/۱۱/۹

نقش اختلاف در خانواده

۱- نقش اول :

برای آزمایش :

انعام ۱۶۵

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ أَوْسَتْ كَسَى كَهِ شَمَا رَا دَر زَمِينَ
بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي جَانَشِينَ [يَكْدِيْغَر] قَرَار دَاد وَ بَعْضِي
مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ أَزْ شَمَا رَا بَر بَرخِي دِيْغَر بَه دَرجَاتِي
لَعَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۶۵)

برتری داد تا شما را در آنچه به شما
داده است بیازماید آری پروردگار تو
زودکیفر است و [هم] او بس آمرزنده
مهربان است (۱۶۵)

در دعای امام زمان اللهم ارزقنا نقش ها را متوجه می شویم

۲- نقش دوم :

امکان تسخیر یکدیگر ، استخدام یکدیگر :

زخرف ۳۲

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا يَا آنَانْدَ كِه رَحْمَتِ پروردگارت را
 بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا تَقْسِيمَ مِي كَنْدِ مَا [وسایل] معاش آنان
 بَعْضُهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ رَا در زندگي دنيا ميانشان تقسيم
 بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحِمْتُ رَبِّكَ كَرْدِه ايم و برخي از آنان را از [نظر]
 خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار
 داده ايم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر]
 را در خدمت گیرند و رحمت
 پروردگار تو از آنچه آنان می اندوزند
 بهتر است (۳۲)

کسیکه در خدمت دیگری است بالاتر است

۳- نقش سوم :

برای نظم در جهان

ال عمران ۱۹۰

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَسْلَمًا در آفرینش آسمانها و زمین و
 وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای
 الْأَلْبَابِ (۱۹۰)
 خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است
 (۱۹۰)

آیه یعنی معجزه ،حجت ۷۰ بار در قرآن ذکر شده است آیه بینه است کارش
 روشن کردن است .

برای هدایت و تحول سه چیز لازم داریم : سمع - بصر - فواد

۴- نقش چهارم

زیبایی در جهان

بنابراین وجود هر مخلوقی آیت الهی و الزامی است.

و هیچ مخلوقی اضافی و زیادی و بیهوده نیست

و هر مخلوقی واجب الوجود بالغیر است .

آیا اختلاف عامل در گیری هست ؟

ملائکه تنوع دارند و اختلافی با خود و دیگران ندارند ، پس نباید عامل درگیری شود

۲- عوامل درگیری :

۱- مادی بودن اولین عامل درگیری است

مادی بودن ریشه اصلی هر گونه عداوت و اصطکاک و تقابل و تضاد و تنازع و تراحم و تجاوز و درگیری میان افراد بشر و میان جن و انس است .

مادیات اصطکاک دارند ، غیر مادی ها اصطکاک ندارند

عداوت : دشمنی که سهمی نمی برد مثل شیطان

خصومت : دشمنی که سهمی هم میبرد

چون مادیات محسوس هستند حواس و هوس می آورد

آفت : هر چیزی که مانع رشد باعث عداوت می شود طبیعت او حس است آگاهانه نیست

آنها به خاطر محدودیتهای کمی و کیفی در خود شناسی و خود باوری و ابراز توانایی ها و رفع نیازهای غریزی و فطری و فرار از گرما ، سرما ، باران ، آتش و بیماری و حوادث و تمایل به دوام راحتی و سلامت و حیات خود و غفلت از آزمایش و حکیمانه بودن حوادث با هم درگیر می شوند . تا جایی که می گویند زندگی جنگ است و دیگر هیچ .

(امتحان کردن یعنی مورد لطف قرار گرفتن پس باید شکر کنیم

امتحانات وسیله ای برای شکوفایی ما - و فلق ما ، نهایت فلق ، بعثت است . بعثت یعنی انسان کامل را شده اید و بالاتر از بعثت ، کوثریت است یعنی فوران داشتن)

۲- منیت : دومین عامل درگیری

نفسانیت یا منیت یا ذهنیت یا خود خواهی و خود محوری و جهل و جهالت و ظاهربینی افراد بشر را به = مقایسه ، غفلت ، حرص ، غرور ، تکبر ، تکاثر ، رقابت ، حسادت ، خشونت ، ظلم ، عداوت ، خصومت ، سلطه پذیری ، سلطه گری ، غلبه خود و دیگران می کشاند :

بقره ۲۱۳

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْأَحْقَ لِيُخَكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ بِرَأْسِهِمْ أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ سَبِيلَهُمْ لِيُبْلِغَهُمُ إِلَى أُمَّةٍ وَاحِدَةٍ أُولَئِكَ سَمِعُوا لَكُمْ وَفِي ذَلِكَ آيَاتٍ لِّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ بِحَقِّ فِرْعَوْنَ فَاسْتَدَا تَا مِيَانِ مَرْدَمِ دَر اَنچِه
مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ بِا هَمِ اخْتِلَافِ دَاسْتَنَدِ دَاوَرِي كَنَدِ وَ جَزِ
الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ كَسَانِي كِه [كُتَاب] بِه اَنَانِ دَادِه شُدِ پَسِ
بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ اَز اَنكِه دَلَايِلِ رُوشَنِ بَرَايِ اَنَانِ اَمَدِ بِه
خَاطِرِ سَتَمِ [وِ حَسَدِي] كِه مِيَانِشَانِ بُوَدِ
(مُسْتَقِيمِ ۲۱۳)

[هِيچِ كَس] دَر اَن اخْتِلَافِ نَكِرْدِ پَسِ
خِداوَنَدِ اَنَانِ رَا كِه اِيْمَانِ اَوْرَدِه بُوَدَنَدِ
بِه تَوْفِيْقِ خَوِيْشِ بِه حَقِيْقَتِ اَنچِه كِه دَرِ
اَن اخْتِلَافِ دَاسْتَنَدِ هِدَايَتِ كَرْدِ وَ خِدا
هَر كِه رَا بَخَوَاهَدِ بِه رَاةِ رَاسَتِ هِدَايَتِ
مِي كَنَدِ (۲۱۳)

يَعْنِي خُودخَوَاهِي بَاعْثِ اخْتِلَافِ شُدِ ، خِدا هَر كِه رَا بَخَوَاهَدِ خُودِشِ هِدَايَتِ شُودِ
رَا هِدَايَتِ مِي كَنَدِ .

مَرْدَمِ يَا قَاسِطِيْنَ هَسْتَنَدِ يَا مَقْصُطِيْنَ

قَاسِطِيْنَ يَعْنِي خُودِ مَحْوَرِ هَسْتَنَدِ مَقْصُطِيْنَ يَعْنِي خِدا مَحْوَرِي

قَاسِطِ خُودِ رَا دَر بَرَابَرِ خِدا مَطْرَحِ مِي كَنَدِ

بقره ۱۱۳

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى وَ يَهُودِيَانِ كُفْتَنَدِ تَرَسَايَانِ بَرِ حَقِّ نِيَسْتَنَدِ
شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ وَ تَرَسَايَانِ كُفْتَنَدِ يَهُودِيَانِ بَرِ حَقِّ نِيَسْتَنَدِ

عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ بَا أَنكَ آتَانِ كِتَابٍ [آسمانی] رَا
 الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ می خوانند افراد نادان نیز [سخنی]
 بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ همانند گفته ایشان گفتند پس خداوند
 روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف (۱۱۳)
 می کردند میان آنان داوری خواهد کرد
 (۱۱۳)

آنها که به علمشان رجوع نمی کنند خدا حکم می کند بین آنها در قیامت که
 البته با مواجهه با عقل آلاں باید توجه کنیم ، بفهمیم
 اولین بیماری هر انسانی بعد از تولدش پیدایش توهم "من" در ذهن اوست . که
 او را از خالقش و مخلوقیتش غافل می کند و امنت بودن را نمی فهمد
 بجای "من" می توان از کلمه مالکیت استفاده کرد
 لذا خداوند دائما او را با هر چیزی می آزماید :

انسان ایه ۲ و ۳

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ مَا انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و
 فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲) او را می آزماییم بدین جهت او را شنوا
 و بینا قرار دادیم (۲)
 إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر
 باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس (۳) (۳)

دائماً او را مبتلا می کنیم ، تا معلوم شود که آیا خالقش را عاقلانه و با رفتار عاشقانه تصدیق می کند :

واقعه ۵۶

هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶) این است پذیرایی آنان در روز جزا
(۵۶)

این منیت و همی کاذب و خیالی باعث می شود تا انسان به بدن و توانایی ها و امکانات و افراد و اشیائی که نزد او امانت هستند " تعلق، وابستگی ، دلبستگی " پیدا کند و مال خود پندارد لذا با هر اتفاقی برای هر یک از متعلقاتش امپر اضطراب یا شادی او تغییر می کند و با اضافه شدن به تعلقاتش خوشحال ، مسرور ، مغرور و متکبر و با کم یا جدا شدن یا آسیب دیدن آنها، عصبانی ، گستاخ ، غمگین و افسرده می شود .

((انسان انس می ورزد ، علاقه ندارد))

گرفتن اسباب بازی از کودک چگونه او را به داد و فریاد و گریه وادار می کند و پا به زمین می کوبد ما هم با از دست دادن هر یک از متعلقات خود انگار که جاننش می رود .

فجر ۱۵ و ۱۶

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ مَا انسان هنگامی که پروردگارش وی
وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) را می آزماید و عزیزش می دارد و
نعمت فراوان به او می دهد می گوید

پروردگارم مرا گرامی داشته است

(۱۵)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ و اما چون وی را می‌آزماید و
رَبِّي أَهَانِي (۱۶) روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند

می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده

است (۱۶)

وقتی خدا می‌خواهد امتحان کند می‌گوید مرا گرامی داشت و وقتی او مبتلا شد
می‌گوید خدای من مرا اهانت کرد

اللهم عجل لوليک الفرج